

نکاتی در مورد کتابخوانی

کتابخوانی از جمله صفاتی است که بسیاری از ما علاقه داریم واجد آن باشیم، اما اکثر ما وقت و حوصله کافی را به خواندن کتاب اختصاص نمیدهیم. سعی کرده ایم با کمی مطالعه و جستجو، برخی از مهمترین نکات در مورد کتابخوانی را گردآوری کنیم.



قبل از هر چیز باید ببینیم چه عواملی مانع مطالعه ما می شوند تا در مورد رفع آنها فکر کنیم:

- ۱) احساس میکنیم سرعت خواندن ما بسیار کند است و پیشرفت خوبی نداریم.
- ۲) مطالعه کتابها را آغاز میکنیم اما آنها را به پایان نمیرسیم.
- ۳) در زمان مطالعه کردن، نمیتوانیم به شکل کامل و مناسب، تمرکز داشته باشیم.
- ۴) کتابخوانی برای ما خسته کننده است.
- ۵) حوصله متن های طولانی را نداریم.
- ۶) کتابخوانی و مطالعه در کوتاه مدت برای بسیاری از ما، لذت ایجاد نمیکند.
- ۷) بسیاری از کتابهایی که میخوانیم به «توصیه» یا «تحمیل» دیگران

تعیین شده است.

۸) خواندن یک کتاب به تنهایی (و بدون مشارکت دیگران) کاری است که حوصله بسیار میخواد که از حد توان بسیاری از ما خارج است.

۹) در لحظاتی که تصمیم به مطالعه و کتابخوانی میگیریم، کتاب مناسبی در اختیار ما یا در ذهن ما وجود ندارد.

در مورد هر یک از این نکات، موارد زیر را در نظر بگیرید:

۱) کلاسهای تندخوانی در سراسر جهان، به شرکت کنندگان خود این وعده را میدهند که میتوانند سریع تر و بهتر بخوانند. این حرف تا حد زیادی درست است. ما چشم های خود را به شیوه درست روی متن حرکت نمیدهیم. گاه یک جمله یا پاراگراف را چند بار میخوانیم و ...

اما در کنار رفع این ایرادها، واقعیت این است که یادگیری تکنیکهای تندتر خواندن الزاماً مزیتی ایجاد نمیکند. شاید برای خواندن رمان یا روزنامه ها، تندخوانی مفید باشد، اما در مورد کتابهای آموزشی چنین نیست. بسیاری از کتابها را باید مثل آب، جرعه جرعه نوشید تا اثر آن مشخص و محسوس باشد. ضمن اینکه #یادگیری، اساساً برقراری ارتباط بین آموخته های جدید و دانسته های قبلی است و کسی که شتابزده کتاب میخواند، ممکن است کتاب را به شکل کامل بخواند و بفهمد، اما الزاماً کتاب را «یاد» نمیگیرد.

۲) هیچ دلیلی وجود ندارد که کتابی را که آغاز کرده اید به پایان ببرید. کمال گرا نباشید. ممکن است چند کتاب را ببینید و بگیرید و بخوانید و در نیمه راه رها کنید. ایراد از شما نیست. بلکه شاید کتاب مناسب و جذاب را پیدا نکرده اید. مطمئن باشید پس از مدتی که سلیقه کتابخوانی خود را بهتر بشناسید، این نوع کتابهای نصفه و نیمه، سهم کمتری را به خود اختصاص خواهند داد.

۳) خیلی بدیهی به نظر میرسد. اما مهم است که قبل از شروع به خواندن کتاب، اینترنت و موبایل و تلویزیون از شما دور باشد. تماسهای مهم را قبل از کتابخوانی بگیرید. ایمیل های مهم را قبلاً چک کنید. وبگردی ها را انجام دهید و آنگاه، به سراغ مطالعه بروید.

۴) ترجیحاً مکان مشخصی را برای مطالعه در منزل یا محل کار در نظر بگیرید. مطالعه باید لذت بخش ترین فعالیت ما باشد. برای مطالعه،

لازم نیست شرایط «حبس در سلول انفرادی» را ایجاد کنید. بهتر است قبل از شروع به مطالعه، در کنار خود، چای یا هر نوشیدنی یا خوراکی دیگری را که مورد علاقه تان است، قرار دهید، تا در ذهن شما، لحظات کتابخوانی با خاطره های خوب ثبت شود. فراموش نکنید که ما هم مانند هر موجود دیگری، به سادگی شرطی میشویم.

5) متأسفانه این ویژگی عصر ما و نسل ماست که به متنهای کوتاه و مینیمالیستی (به معنای عام آن نه به معنای ادبی آن) علاقمند هستیم. فیس بوک و توییتر و ... ما را عادت داده اند که متن های کوتاه بخوانیم. جملات طولانی در فیس بوک، عموماً لایک نمیشوند و به اشتراک گذاشته نمیشوند. اما واقعیت این است که جملات کوتاه، ممکن است به صورت لحظه ای احساس خوب ایجاد کنند یا الهام بخش باشند، اما هرگز اثر یک متن طولانی را ندارند. برای ترویج عادت مطالعه، لازم است از فضاهای مینیمال کمی فاصله بگیریم. نه اینکه فیس بوک و توییتر و ... را ترک کنیم. اما به خاطر داشته باشیم که عادت دائمی به خواندن متن های کوتاه، حوصله ما را در مطالعه متن های طولانی کاهش میدهند.

6) یکی از لذتهایی که بسیاری از کتابخوان ها تجربه کرده اند، صحبت با دیگران در خصوص کتابهایی است که خوانده اند. این فرصت را از دست ندهید. اگر فرصت محدودی دارید و نمیتوانید با دیگران، بنشینید و سر حوصله صحبت کنید، شاید راه اندازی یک وبلاگ ایده خوبی باشد. میتوانید پس از مطالعه هر کتاب، خلاصه کتاب یا نظرات خود را آنجا بنویسید. راه اندازی وبلاگ با استفاده از سرویسهایی مثل پرشین بلاگ یا بلاگ فا یا ...، کار دشواری نیست.

7) استفاده از نظر دیگران در کتاب خواندن خیلی خوب است. اما همیشه به یاد داشته باشیم که سلیقه انسانها در خواندن کتاب متفاوت است. هیچ ایرادی ندارد اگر شخصی که او را بسیار قبول دارم، کتابی را توصیه کند و

من پس از خواندن چند صفحه، احساس کنم که آن کتاب، کتاب من نیست. ما در نظام آموزشی خود طی ۱۲ تا ۲۰ سال، می آموزیم که مطالبی را بخوانیم که دیگران ما را به خواندن آنها مجبور کرده اند. دقت کنیم که در ادامه زندگی، این عادت ناپسند را ادامه ندهیم.

8) اگر میتوانید، با دوستان خود به صورت هماهنگ، یک کتاب مشخص را بخوانید و در مورد آن بحث کنید.

۹) اکثر کتابخوان های حرفه ای، لیستی از کتابهای خوب را در دفتر یادداشت یا تلفن همراه خود دارند و هر جا نامی از کتابی میشوند، آنجا یادداشت میکنند تا در زمانی که فرصتی برای خرید کتاب یا مطالعه دست میدهد، «دست خالی» نباشند. شاید مراجعه به فهرست #معرفی کتاب در متمم نقطه شروع خوبی باشد.

بسیاری از افراد کتابخوان، در یک ویژگی مشترک هستند. این افراد، به جای اینکه مقید باشند در ساعات خاصی از روز، جایی بنشینند و کتاب بخوانند، همیشه همراه خود یک کتاب دارند تا در کوتاه ترین فرصتها، به خواندن آن پردازند. شاید رها کردن بسیاری از لذتها و تفریحات و خواندن کتاب در یک ساعت مشخص در منزل یا محل کار، سخت و دشوار باشد، اما مطالعه کردن در زمانی که در مترو یا در یک سازمان بزرگ، به انتظار گذشت زمان نشسته ایم ساده تر و جذاب تر است

بسیاری از ما، مطالعه را نه با هدف افزایش اطلاعات و دانسته ها و باز شدن افق دید، بلکه برای فرار از مشکلات و مسائل روزمره انتخاب میکنیم. زمانی که از دوست یا همسر یا مدیر خود دلگیر هستیم، گوشه ای مینشینیم و کتاب ورق میزنیم. شاید این کار در کوتاه مدت، مفید باشد اما در بلندمدت ما را شرطی میکند و ذهن ما عادت میکند که «کتاب»، «همراه لحظات تلخ زندگی» ماست.

در پایان، پیشنهاد میشود خود را به خواندن کتابهای دیجیتال عادت ندهید. برای کسانی که عادت کتابخوانی دارند، کتاب دیجیتال یا مکتوب (هاردکپی) تفاوتی ندارد. اما برای کسانی که به تازگی خود را به کتابخوانی عادت میدهند، لمس کردن برگه های کاغذ، خط کشیدن زیر نوشته ها، دیدن نشانه میانه کتاب که مشخص میکند بخشی از کتاب خوانده شده، باز شدن شیرازه کتاب و جدا شدن برگه های آن (ناشی از بارها مرور یک کتاب)، همه و همه میتوانند احساس خوب ایجاد کنند. احساسی که ما را به خواندن کتابهای بیشتر ترغیب می کند.

کانال جنبش کتابخوانی

بچه های بهشت " اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ .
وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ "